
تاریخچه چاپ کتاب‌های فارسی در شبه قاره

- محورهای پژوهش در این گفتار به این شرح است:
- I. جهان اسلام: از دوران دست‌نویس‌ها تا عصر چاپ
 - II. رواج چاپ در شبه قاره و آغاز چاپ آثار فارسی
 - III. آغاز چاپ سنگی و رونق چاپ آثار فارسی
 - IV. انحطاط چاپ فارسی
 - V. سیری کوتاه در فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی

◀ I. جهان اسلام: از دوران دست‌نویس‌ها تا عصر چاپ

از انقلابی که صنعت چاپ در ترویج دانش به پا کرد جهان غرب مسیحی در قرون میانه برای تنظیم نوین زندگانی معنوی و روحانی خود آن‌را به خدمت گرفت و سودهایی برد^۱، اما جهان اسلام تا آغاز ق ۱۹م/ [۱۳هـ] هنوز از آن

۱. انقلاب پروتستان در جهان مسیحی، پس از رواج چاپ از موفقیت برخوردار شد و

بی بهره بود. یعنی حتی پس از گذشت چهار قرن از استفاده جهان مسیحی از صنعت چاپ، این صنعت در کشورهای اسلامی قدم نگذاشته بود. در سرزمین‌های مسلمان‌نشین همچون عثمانی و مصر و ایران - که خطر توسعه استعمار غرب در آنجا می‌رفت - اگر چه چاپخانه‌هایی در آغاز ق ۱۹م / [۱۳هـ] تأسیس شده بود، اما تا نیمه دوم ق ۱۹م / [۱۴-۱۳هـ] صنعت چاپ در آن کشورها گسترش نیافت.

این تصور که مسلمانان با صنعت چاپ آشنایی پیدا نکرده بودند واقعیت ندارد^۱، در واقع یهودی‌هایی که تا ۱۴۰۱م / [۸۰۴هـ] از اسپانیا به عثمانی مهاجرت کردند، چاپخانه‌هایی در آنجا تأسیس کردند و چند کتاب مذهبی و علمی خود را به چاپ رسانیدند. در سایر کشورهای اسلامی نیز یهودیان و مسیحیان استفاده از چاپخانه را آغاز کردند. این دلیل اصلتی ندارد که در چاپ متحرک تایپی، در رسم الخط‌های اصیل زبان‌های جهان اسلام، هر حرف به چهار پاره تقسیم می‌شد [مثلاً: ک / ا - ۱] و این عمل بر مسلمان‌ها دشوار آمد!

→

لوترانیسم (Lutheranism) انصافاً زاده چاپ است. نک:

Elizabeth L. Eisenstein, *The Printing Press as an Agent of Change: Communication and Cultural Transformation in Early Modern Europe*, Cambridge, 1979, vol. I, II; Tessa Watt, *Cheap Print and Popular Piety 1550-1640*, Cambridge, 1991.

۱. ممکن است مسلمانان از اختراع چاپ متحرک تایپی در چین در سال‌های ۴۹-۱۰۴۱م / [۴۴۱-۴۳۲هـ] همان‌گونه بی‌خبر باشند که در اروپا پدر چاپ یوهان گوتنبرگ (Johann Gutenberg) (۱۴۶۸-۱۳۹۹م) از آن بی‌اطلاع بود. نک: G. A. Glaister, *Encyclopedia of the Book*, لندن، ۱۹۹۶م، ص ۳۹۳.

در ق ۱۵م / [۵۹ه] قرآن مجید به رسم الخط عربی چاپ شده بود^۱ و مسیحیان سوریه در ق ۱۶م / [۱۰ه] استفاده از چاپخانه را برای چاپ کتب عربی آغاز کرده بودند^۲.

علت اصلی تمایل نداشتن مسلمانان به چاپ این بوده که آنان هرچه بیشتر به سنت‌های افتخارآفرین و منحصر به فرد خود همچون حفظ / از برداشتن، انتقال علوم از سینه به سینه، خوش‌نویسی و کتابت اتکا می‌کردند و لغزش‌های قلمی‌ای را که در آثار مکتوب، در عمل آماده ساختن آن‌ها برای چاپ راه می‌یافت، روانمی‌دانستند. آنان فقط به نوشته‌های به خط مؤلف اعتماد داشتند و به آن استناد می‌کردند. وانگهی بدنمایی‌ای که در عمل چاپ آثار مکتوب بروز می‌کرد، اصلاً با ذوق زیباشناسی مسلمانان سازگار نبود. مسلمانان نخواستند احتیاط و وسواسی را که در راه ترویج قرآن مجید با حفظ صحت خط و تزئینات به خرج می‌دادند، و اینک به یک سنت تبدیل شده بود، از دست بدهند و به جای آن صنعت چاپ را اختیار کنند. زیرا در نسخه‌ای از قرآن مجید که در

1. Thomas F. Carter, "Islam as a Barrier to Printing", *The Moslem World*, Hartford (U. S. A), No. 33 (1943), p. 213-16;

و برای اطلاعات بیشتر نک:

G. Roper, "The Export of the Arabic Books From Europe to the Middle East in the 18th century", *Proceedings of the 1989 International Conference on Europe and Middle East*, Oxford, 1989, p. 233-266.

2. J. Pederson, *The Arabic Book*, translated by G. French, edited by R. Hillenbrand, Princeton, 1984, p. 131-141;

و برای اطلاعات بیشتر نک:

Wahid Gdoura, *Le debut de l'imprimerie Arabe à Istanbul et en Syrie: Evolution de l'environnement culturel, 1707-1787*, Tunis, 1985.

۱۵۳۷ م / [۹۴۴ هـ] در ونیز ایتالیا به طبع رسیده بود، بین حروف دال و ذال تمییز رعایت نشده بود^۱. اما هنوز آغاز تجربیات بود و اوضاع به تدریج رو به بهبود می‌رفت. با این همه، ذهن مسلمانان تا مدتی پدیده چاپ را نپذیرفت و نپسندید. ممکن است علت عدم تمایل مسلمانان در استفاده از صنعت چاپ، این اعتقاد باشد که این صنعت اختراع «کفار» است و استفاده از آن برابر است با شرکت در کفر یا همکاری با آن^۲. در آن مراحل ابتدایی فقط مسلمانان نبودند که این چنین برخورد محافظه‌کارانه‌ای با صنعت چاپ داشتند، بلکه مسیحیان سنت‌گرا و کاتولیک‌ها نیز تا مدتی پس از ابداع چاپ، در راه ترویج آن مزاحم بودند^۳.

چاپ کتاب‌های دینی در بسیاری از کشورهای اسلامی عملی ناروا تلقی می‌شد، اما در عثمانی و روسیه تزاری و هندوستان نظرهای متفاوتی وجود داشت، زیرا در کشورهای مذکور در اوائل ق ۱۹ م / [۱۱۳ هـ] چاپ کتاب‌های

1. Muhsin Mahdi, "From the Manuscripts Age to the Age of Printed Books", *The Book in the Islamic World: The Written Word and Communication in the Middle East*, edited by George N. Atiyeh, Albany, (U. S. A.), 1995, p. 283.

۲. این همان دیدگاهی است که جهان اسلام را تا مدتی کلاً یا جزواً از بهره‌برداری از اختراعات مفید اروپا همچون سلاح‌های جنگی، ساعت و برق دور نگاه داشت و در برابر استفاده از صنعت چاپ نیز جهان اسلام حالت گومگو را داشت. برای بررسی جامع در این باره نک:

Francis Robinson, "Islam and the Impact of Print in South Asia", *The Transformation of Knowledge in South Asia*, ed. Nigel Crook, Oxford, 1996, p. 62-97; Ami Ayalon, *The Press in the Arab Middle East, A History*, Oxford, 1995, p. 166-167. و بعد

۳. Ami Ayalon, همان‌جا، ص ۱۶۷.

دینی شروع شده بود. وهابی‌ها از نخستین مسلمانانی بودند که برای سفر حج از کشتی‌های بخار و برای جهاد از سلاح آتشین شروع به استفاده کردند و اکنون برای نشر عقاید خود تمایلی به اختیار نمودن پدیده نوین چاپ از خود نشان دادند.^۱ مدتی نگذشت که روشنفکران اسلام و حکومت‌های اسلامی تحت تأثیر تفکر آنان، نگرشی مثبت به صنعت چاپ پیدا کردند. آنان متوجه شدند که صنعت چاپ در اروپا نتایج سودمندی به بار آورده و استفاده جهان اسلام از این پدیده نه تنها برای پیشرفت علوم و بازسازی جامعه بلکه برای گسترش علوم اسلامی نیز اجتناب‌ناپذیر است.^۲ از سوی دیگر حکمرانان اسلامی هم به این اندیشه رسیدند که اجرا و پیروزی سیاست‌های خود را می‌توانند از راه اختیار نمودن وسیله چاپ تضمین کنند. اولین بار در ترکیه سلطان مراد سوم (حک: ۹۵-۱۵۷۴م / ۱۰۰۳-۹۸۲ه) در اکتبر ۱۵۸۸م / [۹۹۶ه] به تجار فرنگی اجازه ورود کتب چاپی به خط عربی، به عثمانی داد.^۳ سلطان احمد سوم (حک: ۱۷۳۰-۱۷۰۳م / ۱۱۴۳-۱۱۱۵ه) در ۱۷۲۷م / [۴۰-۱۱۳۹ه] اجازه تأسیس چاپخانه را در قلمرو عثمانی داد. البته این اجازه منحصر به چاپ کتب غیر دینی بود.^۴ ابراهیم متفرقه (۱۷۴۵-۱۶۷۰م / ۱۱۵۸-۱۰۸۱ه) از این اجازه استفاده

1. Marc Garborieau, "Late Persian, Early Urdu: The Case of Wahabi Literature (1818-1857)", *Confluence of Culture: French Contributions to Indo-Persian Studies*, ed. F. N. Delvoye, New Delhi, 1995, p. 175.

۲. در این مورد می‌توان به مقاله بنیادگذار نخستین چاپخانه در عثمانی ابراهیم متفرقه با عنوان «وسيلة الطبع» که پُر است از دلایل و شواهد در مفید بودن چاپ مراجعه کرد. برای ترجمه انگلیسی این مقاله نک: George N. Atiyeh, ص ۲۹۲-۲۸۶.

۳. متن فرمان در همان جا، ص ۲۸۳.

۴. متن فرمان در همان جا، ص ۲۸۵-۲۸۳.

کرد. او کسی بود که از مجارستان به استانبول نقل مکان کرد و به دین اسلام مشرف شد و در ۱۷۲۷م / [۴۰-۱۱۳۹هـ] نخستین چاپخانه جهان اسلام را تأسیس کرد. با وجود این که فعالیت چاپخانه او منحصر به طبع کتاب های تاریخی و علوم بود، روحانیون و عامه مسلمانان به مخالفت با او پرداختند به گونه ای که پس از ۱۷۴۲م / [۱۱۵۵هـ] چاپخانه او تعطیل شد.^۱

آغاز چاپ در قلمرو عثمانی - گرچه برای مدتی محدود و کوتاه بود - برای سایر کشورهای اسلامی موجب تشویق و دلگرمی شد. لبنان علاوه بر وارد کردن کتب چاپی عربی از اروپا، در ۱۷۳۴م / [۴۷-۱۱۴۶هـ] چاپ کتب عربی را نیز آغاز کرد.^۲ اما کتاب های چاپ لبنان منحصر به مسیحیت و تبلیغ مسیحیت بود و تیراژ (شمارگان) آن ها محدود بود.^۳ اکنون جهان عرب کم کم تأثیر افکار غربی را پذیرفته بود. ترکیه و مصر هرچه بیشتر تحت نفوذ افکار غربی قرار گرفته بودند. سنت تأسیس دارالترجمه به دست خلفای عباسی [در بغداد]، یک بار دیگر در مصر تجدید شد. در روزگار محمد علی پاشا (۱۸۴۸-۱۸۰۵م / [۱۲۶۴-۱۲۲۰هـ]) گام های مؤثر برای اختیار نمودن صنعت چاپ برداشته شد. دارالترجمه مصر که زیر نظر حکومت وقت اداره می شد، به ترجمه آثار اروپایی پرداخت و ۲۴۳ عنوان کتاب در میان سال های ۴۲-۱۸۲۲م / [۵۸-۱۲۳۷هـ] در قاهره به طبع رسید.^۴ قاهره ام القرای کشورهای عربی بود، اما نیمی از

1. Bernard Lewis, *Muslim Discovery of Europe*, London, 1982, p. 168.

2. Geoffrey Roper, "Faris Al-Shidyah and the Transition from Scribe to Print Culture in the Middle East", in George N. Atiyeh, p. 210.

۳. Bernard Lewis, ص ۱۶۸.

۴. همان مأخذ، ص ۳۰۶.

کتاب‌های چاپ شده به زبان ترکی بود! در ۱۸۱۹م / [۱۲۳۴هـ] اولین چاپخانه دولتی مصر آغاز به کار کرد.^۱

علاقه‌مندی شاهان ایرانی باعث شد که در آن کشور نیز چاپ معمول شود. کمی پیش‌تر از آغاز چاپ در مصر، در ۱۸۱۶م / [۱۲۳۱هـ] عباس میرزا نایب السلطنه (۱۸۳۳-۱۷۸۸م / [۱۲۴۹-۱۲۰۲هـ]) چاپخانه‌ای در تبریز تأسیس کرد.^۲ هم‌زمان، عبدالوهاب معتمدالدوله (د: ۱۸۲۷م / [۴۳-۱۲۴۲هـ]) مطبعه‌ای در تهران بنیاد گذارد.^۳ این دو چاپخانه علاقه فرمانروایان ایرانی به صنعت چاپ را نشان می‌داد. اظهار این علاقه‌مندی زمانی بیشتر مشاهده شد که عباس میرزا، میرزا جعفر شیرازی را به مسکو اعزام کرد [تا آموزش‌های فن چاپ را ببیند] و به گفته اسد آقا تبریزی - (که بنا بر روایتی برادرش و پدرش پیش از آن در تبریز مطبعه‌ای داشتند) - میرزا صالح شیرازی (د: ۱۸۳۹م / [۱۲۵۵هـ]) وزیر تهران میرزا اسدالله از اهالی فارس را به سن پترزبورگ اعزام کرد تا وی در آن‌جا آموزش چاپ سنگی را ببیند.^۴ پس از مراجعت میرزا اسدالله، اولین چاپخانه سنگی در تبریز دایر گردید که پنج سال بعد به تهران انتقال یافت. در ۱۸۲۷م / [۴۳-۱۲۴۲هـ] زین‌العابدین تبریزی هم چاپخانه‌ای در تبریز اداره می‌کرد.^۵ مدتی نگذشت که در دیگر نقاط ایران نیز چاپخانه‌هایی دایر

۱. Ami Ayalon, ص ۱۴-۱۳.

2. E. G. Brown, *A Literary History of Persia*, Cambridge, 1953, vol. 4, p. 155; *The Press and Poetry in Modern Persia*, Second Edition, Los Angeles, 1983, p. 7.

۳. همان‌جا.

۴. همان مأخذ، ص ۸-۷.

۵. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، ۱۳۵۷هـ، ج ۲، ص ۱۷۷.

شدند^۱. فقط در تبریز - که در آن زمان بزرگ‌ترین شهر ایران بود - در ۱۸۴۶م / [۱۲۶۲هـ] حداقل شانزده دستگاه چاپخانه کار می‌کرد^۲.

◀ II. رواج چاپ در شبه قاره و آغاز چاپ آثار فارسی

وضع در شبه قاره^۳، در مقایسه با عثمانی و مصر و ایران، متفاوت بود. اگر چه برخورد مسلمانان شبه قاره [با پدیده‌های جدید غرب] چندان تفاوتی با برخورد سایر ملت‌های جهان اسلام نداشت، بازهم آنان مفید بودن اختراعات غرب را انکار نمی‌کردند. چنان‌که وقتی مبلغان ژزوئیت (Jesuits) به جهانگیر پادشاه (حک: ۲۷-۱۶۰۵م / [۳۷-۱۰۱۴هـ]) نسخه‌ای از انجیل چاپ ایتالیا عرضه داشتند، او با آنان درباره امکانات ریختگی حروف نستعلیق صحبت کرد^۴. بر عکس آن، وقتی در ۱۶۵۱م / [۱۰۶۰هـ] کتابی چاپی به زبان عربی به

1. E. G. Brown, *The Press and Poetry in Modern Persia*, p. 8.

2. Abbas Amanat, *Pivot of the Universe: Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy, 1831-1896*, London, 1997, p. 75.

۳. یادداشت مترجم: در اصل نویسنده محترم مقاله اصطلاح «آسیای جنوبی» را به کار برده است با این توضیح: «از نظر مفهوم جغرافیایی "آسیای جنوبی" فقط شامل هندوستان نیست، بلکه کشورهای پاکستان، بنگلادش، نپال، بوتان، سیکم، سری لانکا و جزائر مالدیو حتی برمه [میانمار امروزی] و افغانستان نیز شامل این محدوده می‌شوند. در دوران اسلامی و بریتانیایی، این اصطلاح به مفهوم محدودتری و به "شبه قاره" یا "قاره عظیم" تبدیل شده است. چون گفتار ما مربوط به دوران بریتانیایی است، منظور ما در این جا از "آسیای جنوبی" شبه قاره هند است که تا پاکستان و بنگلادش گسترش دارد». در حین ترجمه با کسب اجازه از نویسنده این اصطلاح به «شبه قاره» تبدیل شده است، مگر این‌که در مفهوم واقعی آسیای جنوبی به کار رفته باشد.

4. E. Maclagan, *The Jesuits and the Great Mogul*, London, 1932, p. 211-215.